(محمد هدایی، ۱۳۶۷).

به امید آن که در هر مدرسه و دانشکده و اداره و پادگان و قراءتخانه یک دوره از فرهنگنامه در اختیار عموم قرار گیرد.

۶ بهمن ۱۳۸۰، نیویورک

جلال متینی

دکتر مهدی مستشاری
تفسیر غزلیات حافظ (شاعری که باید از نو شناخت)*
چهار جلد، سازمان چاپ مشهد، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳
بها، جلد اول: ۱۲۱ تومان، جلد دوم (؟)، جلد سوم و چهارم: هریک ۴۰۰ تومان
چاپ زیراکس در امریکا، هر جلد ۴۰ دلار

حافظ شاعر شیعیِ دوازده امامی، دشمن استکبارِ جهانی و صهیونیست ها

«ماجرای پایان ناپذیر حافظ» عنوان کتابی ست از دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، و نیز عنوان یکی از مقاله های همان کتاب که در سال ۱۳۶۸ در تهران به چاپ رسیده است. سؤال این است که به راستی چرا ماجرای حافظ پایان ناپذیر شده است، و نه ماجرای شاعرانی چون فردوسی و ناصرخسرو و نظامی گنجوی و مولانا جلال الدین و سعدی جز آن. آیا نظر دکتر اسلامی ندوشن در این باب درست است که چون «دیوان او [حافظ] عصارهٔ سرگذشت ایران و «نقد حال» ماست، پس از ششصد سال، هنوز هم سخنگوی ماِ الکن است و جواب دهنده به فال همیشگی ای که در ضمیر ما خلجان دارد»؟ البته برخی از خواص روزگار ما هستند که «عصارهٔ سرگذشت ایران» را در دیوان حافظ می یابند، ولی اکثریت خوانندگان و شنوندگان غزلیات حافظ در طی قرنهای پیشین و دوران ما عموماً از باسواد و کم سواد و بیسواد کسانی هستند که «نقد حال» خود را در غزلیات حافظ می یابند و کلمات آن را - درست یا نادرست- به سلیقهٔ خود تعبیر و تفسیر می کنند و می پندارند که حافظ از زبان آنان سخن می گوید. مقصود بنده از نگارش این چند صفحه بحث دربارهٔ

---

* مؤلف، مقدمهٔ چهار جلد کتاب مورد بحث را در ۵۴ صفحه برای نگارندهٔ این سطور فرستاده است و این مختصر فقط بر اساس همان صفحات نوشته شده است.

اهمیت دیوان حافظ و بحث دربارهٔ الفاظ و مضامین غزلیات او نیست. بلکه می خواهم نشان بدهم که حتی در روزگار ما – به گذشته های دور کاری ندارم که قاضی نورالله شوشتری معروف به «شیعه تراش» شاعران و نویسندگان و عالمان ایرانی را عموماً «شیعه» معرفی می کرد – یا افرادی از خواص در چند دههٔ اخیر – بی هرگونه تردید و به جدّ حافظ را «مِهری» و پیرو آیین میترائیسم می دانند، و یا برخی در مسلمانی او تردید روا می دارند، چنان که در سالهای دوم یا سوم انقلاب اسلامی که در دانشگاه برکلی کالیفرنیا درسی داشتم، دختر خانمی که با دیوان حافظ به خوبی آشنا بود، در کلاس درس از من پرسید آیا حافظ مسلمان بوده است؟ او دلش نمی خواست حافظ مسلمان باشد تا در شمار کسانی چون شیخ صادق خلخالی قرار بگیرد، چنان که دانشجوی دیگری معتقد بود که حافظ شیعه بوده است، چون نمی خواست چنین شاعری را با شهرتی جهانی به سنیان که «ولایت» را نادیده گرفته اند تقدیم کند. کار به همین موارد پایان نمی پذیرد، چون ماجرای حافظ پایان ناپذیر است.

ده سالی ست که محققی که ظاهراً بین مشهد و کالیفرنیا در رفت و آمد است، قدم به میدان حافظ شناسی گذاشته و چهار جلد کتاب به نام تفسیر غزلیات حافظ (حافظ شاعری که باید از نو شناخت) به چاپ رسانیده، و این البته جزیی از کارهای اوست: «... توانسته ام ساعاتی را در اختیار تفکر و تعقل قرار دهم در نتیجه تا به حال حدود دوهزار و پانصد صفحه نتیجهٔ مطالعات خود را بر بیاض کاغذ منعکس نموده ام و کتابهایی برای ارشاد جامعه تدوین نموده ام از جمله ١٢٠ غزل انتخابی از غزلیات بزرگترین شاعر جهان یعنی حافظ شیرازی را با ٩٨٨ صفحه تفسیر نموده ام و برخلاف تمام مفسرین کلی گویی نکرده و هر غزل را مستقلاً کلمه به کلمه تفسیر نموده و برای هر غزل معشوقی معنوی از تبار معصومین صلی الله علیهم اجمعین و خاندان منسوب و اصحاب آنان معرفی نموده ام. تصدیق خواهید فرمود که این کاری ست که تا به حال سابقه نداشته است. مثلاً غزل «آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست»، را بنده به عشق بلال حبشی مؤذن رسول اکرم صلی الله علیه و آله با چند صفحه تفسیر نموده ام....» (مقدمه، ص٤). «یا در آن جا که می فرماید: «کردم جنایتی و امیدم به عفو اوست»، جناب حافظ رحمت الله علیه سرگذشت حُرّ ریاحی را مورد تشریح قرار داده است که در صحرای کربلا، اول جنایت آفرید و سپس پشیمان شد و عفو خواست که قبول شد و اولین شهید هم هموست... همین طور بقیهٔ غزلیات او، که تمام جریانات صدراسلام را مورد بررسی و ثبت در تاریخ قرار می دهد. در آن جا که می گوید: «یاد پدر نمی کنند این پسران ناخلف؟» منظور خلفاء غیر راشدین هستند که خلافت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به صورت سلطنت اداره نمودند و آن را ارثی نمودند....» (ص ٦) . ناگفته نماند که مؤلف شیعه، ناخودآگاه به شیوهٔ انتخابی خلفای راشدین صحه نهاده است!

در سبب تألیف کتاب نیز می خوانیم که آقای مستشاری به سبک حافظ چند هزار [بیت یا غزل؟] سروده بوده است که «در اثر یک تحول فکری که پس از یک ماه و نیم تشرف به آستان مقدس حضرت ثامن الائمه... برایم حاصل شد، «در صدد برآمدم که با استمداد از خداوند متعال و ارواح مقدسهٔ اولیاء دین (چهارده معصوم) تفسیری بر غزلیات شاعر محبوب بنویسم، تفسیری که هر سطر آن خالی از رایحهٔ معطر عشق نباشد...» (ج١/ص٦) .

مؤلف کسانی که «شاعر جهانی را به شرابخواری و غیره و غیره متهم می کنند، که او را تا حد خود به تنزل و انحطاط بکشند» مزدورانی می داند «که چهرهٔ منور حافظ و امثال او را به زیر پردهٔ مسخ پنهان می کنند تا استکبار و صهیونیست مستمری آنان را قطع نکنند» (ج٤/١٠) .

مفسّر ما بر کسانی که با ادبیات آشنایی دارند و لیسانسی در دست و می خواهند اشعار آسمانی حافظ را تفسیر کنند نیز سخت تاخته است که کار هر بز نیست خرمن کوفتن! او می نویسد حتی آیت الله مطهری که در کتاب تماشاگه راز نوشته است: «زبان شعرا و عرفا زبان خاصی ست... که باید از طرف دانشمندان مورد تفسیر و تعبیر برای عامه مردم قرار گیرد، با این همه الفبای حافظ شناسی را ارائه نداده بودند، که در زیر از طرف مفسّر این کتاب ارائه می گردد، اگر کسی و لو دارای چند لیسانس هم باشد و درعین حال به الفبای حافظ شناسی وقوف پیدا نکرده باشد، مسلماً از خواندن اشعار حافظ لذت می برد، ولی به عمق اشارات او دسترسی پیدا نمی کند...» (ج٤/ ٦) .

و اما تفسیر غزلیات حافظ در این کتاب برای چه کسانی نوشته شده است؟ «تفسیرها طوری تنظیم شده که برای خواص و عوام و بیشتر برای عوام (مردم کوچه و بازار) قابل فهم و استفاده است، به خلاف تفسیرهایی که تا به حال تدوین شده که فقط قشر خاصی از جامعه می توانند از آن استفاده کنند.. و این چیزی ست که راه حافظ با آن مباینت دارد... بسیار خوب... باید فکری هم به حال مردم کوچه و بازارکرد، همانهایی که حافظ را عمیقاً دوست دارند و در مکالمات روزمره شان از اشعارش چاشنی عبارات نکته دارشان می کنند...» (ج١/ ٩-١٠) .

اینک آقای دکتر مستشاری از اهل قلم انتظار دارد که «با استمداد از ذوات مقدسهٔ

خداوند و ائمهٔ دین (چهارده معصوم) بتوانند به رموز نهفتهٔ در غزلیات لطیف حافظ دست یافته و موفق شوند از این راه موضوع مهم ولایت در مذهب شیعهٔ اثنی عشری را اهمیت مناسب داده و دین خود را به اهل بیت رسالت ادا نمایند...» (ج۲/ ۵).

مؤلف در چهار جلد کتاب تفسیر غزلیات حافظ (شاعری که باید از نو شناخت) ۱۲۱ غزل را مورد تحقیق قرار داده و هر غزل را در ۵ تا ۱۲ صفحه تفسیر کرده است. وی «معشوقان حافظ» را در این غزلها — بی هرگونه تردیدی— معرفی کرده است. و البته در این چهار جلد از حدود ۳۸۰ غزل دیگر حافظ سخنی به میان نیاورده است، چنان که نگفته است کدام یک از چاپهای دیوان حافظ را برای تفسیر خود برگزیده است. پیداست که وی به چنین مطالب بی ارزشی مطلقاً توجهی ندارد!

به نظر مؤلف کتاب، به ندرت بعضی از غزلیات دربارهٔ موضوعهایی به جز معشوقان حافظ است مانند: در مذمت دنیا، در مذمت ریا، در مذمت دانشمندان دنیا دوست، در فنای روزگار، شخصیت والای انسان، اهمیت روزه و شهادت، نصیحت و پند و اندرز، قیامت و اندرز، قلیل من عبادی الشکور، اهمیت ماههای رجب و شعبان و رمضان، اهمیت تفکر و ملامت علم بدون عمل، قناعت، عشق و رابطهٔ آن با عقل، شهادت در راه خدا، بیوفایی و زودگذری دنیا، فنای روزگار و جز آن.

و اما دربارهٔ معشوقان حافظ، در درجهٔ اول امام زمان قرار دارد با ۲٤ غزل، سپس امام اول ۱۲ غزل، قرآن مجید ۱۰ غزل، پیامبر اسلام و امام اول ۹ غزل، امام حسین و زینب مشترکاً ٤ غزل، سلمان ٤ غزل، پیامبر ۲ غزل، بلال حبشی ۲ غزل، خداوند و پیامبر و امام اول مشترکاً ۲ غزل، امام اول و حضرت فاطمه ۲ غزل، خداوند و اولیاء دین و مذمت دنیا، خداوند و چهارده معصوم، پیامبر و امام اول و ولایت و غدیر خم، خداوند و امام اول و پیامبر و قرآن، پیامبر و ائمهٔ هدی، خداوند و امام اول، پیامبر و امام اول و امام حسین، پیامبر و خدیجه، علی و ولایت، خداوند و قرآن و پیامبر، خداوند و قرآن و امام اول، پیامبر و امام زمان، پیامبر و روگردانیدن از بیت المقدس به مکه، امام اول و غدیر خم، امام اول و فاطمهٔ زهرا، حضرت فاطمه، شهدا و اسیران کربلا، شهدای کربلا مخصوصاً حضرت ابوالفضل، امام حسین و حُرّ، حضرت حُرّ، امام حسین و علی اصغر، علی اکبر، حضرت فاطمه و محسن، امام حسین و حبیب بن مظاهر، امام حسین و مسلم بن عقیل، امام حسین و حضرت قاسم بن الحسن، ابوذر غفاری، حجربن عدی و یارانش، هریک، یک غزل.

برای نمونه دوازده غزلی را که حافظ به عشق افراد مختلف سروده است، بنا به تفسیر محقق محترم در این جا نقل می نمایم:

غزل «الا یا ایها الساقی ادِر کاساً و ناولها ...»: به عشق شهدا و اسیران کربلا، با ۹ صفحه تفسیر.

غزل «در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد ...»: به عشق حضرت رسول... و موضوع پیامبر و رو برگرداندن آن حضرت از بیت المقدس به کعبهٔ معظمه ،با ۵ صفحه تفسیر

غزل «صبا به تهنیت پیر میفروش آمد ...»: به عشق حضرت رسول اکرم و حضرت امیرالمؤمنین... و موضوع مهم ولایت و جریان غدیر خم.

غزل «یارم چو قدح به دست گیرد ...»: به عشق حضرت رسول اکرم..، با ۵ صفحه تفسیر.

غزل «درد عشقی کشیده ام که مپرس ...»: به عشق حضرت ابوذر غفاری، با ۵ صفحه تفسیر.

غزل «ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است...»: به عشق حضرت علی اکبر فرزند ارشد حضرت امام حسین...، با ۵ صفحه تفسیر.

غزل «بنال بلبل اگر با منت سر یاری ست...»: به عشق حضرت صاحب العصر و الزمان...، با ۵ صفحه تفسیر.

غزل «یاد باد آن که سرِ کوی توام منزل بود...»: به عشق حضرت امام علی امیرالمومنین و حضرت فاطمهٔ زهرا، با ٦ صفحه تفسیر.

غزل «بر نیامد از تمنای لبت کامم هنوز...»: به عشق حضرت امام حسین و حضرت زینب...، با ٦ صفحه تفسیر.

غزل «طالع اگر مدد کند دامنش آورم به کف...»: به عشق حضرت رسول اکرم و حضرت خدیجه..، با ۹ صفحه تفسیر.

غزل «خیال روی تو در کارگاه دیده کشیدم...»: به عشق حضرت فاطمهٔ زهرا و فرزندش به نام محسن... که مظلوم و مقتول و شهید گردید، با ٦ صفحه تفسیر.

غزل «خدا را کم نشین با خرقه پوشان...»: به عشق خداوند و قرآن مجید و امام اول، با ۱۱ صفحه تفسیر.

محقق ما چنان که از این مختصر بر می آید، حافظ شیرازی را شیعی دوازده امامیِ معتقدی می داند، دوستدار بی چون و چرای «ولایت»، دشمن استکبارجهانی و صهیونیست ها. در حالی که صاحبنظران تا کنون، به ضرس قاطع، حافظ و سعدی و مولانا جلال الدین ... را سنّی مذهب می دانسته اند.